**بررسی حقوق زن در اسلام در گفت‌وگو با دکتر یوسف قرضاوی**

علاّمه دکتر یوسف قرضاوی، رئیس اتّحادیه‌ی جهانی علمای مسلمان، تأکید کرد که زن گذشته از حق رأی دادن، می‌تواند عهده‌دار منصب ریاست‌جمهوری و عضویت در پارلمان شود. منطق اسلامی درباره این مسایل بر این اساس استوار است که زن، موجودی کامل و دارای شایستگی کامل است.  
  
علامه قرضاوی یادآور شد که سخن گفتن درباره‌ی غلبه‌ی بعد عاطفی در زن جدای فقدان عقل و تشخیص و درک است. ایشان توضیح دادند که شایستگی و اهلیت می‌باید معیار اشتغال هرگونه پستی ازجانب زن باشد و هرگاه یک مرد و یک زن برای انجام یک عمل رقابت داشتند، می‌باید موفقیت به احراز آن به کسی اختصاص یابد که شایستگی و اهلیت بیشتری دارد.  
دکتر قرضاوی در 29 آگوست در برنامه‌ای «فقه الحیاة» که در ماه رمضان هر روز از کانال ماهواره‌ای«أنا» پخش می‌شود و اکراک مجری آن است. تمایل خود را به این دیدگاه فقهی نشان داد که‌ قایل به جواز عهده‌داری تمام مناصب قضایی از جانب زن است. اما وی بر ضرورت رعایت حرکت تدریجی و گام به گام در این زمینه و مدنظر قرار دادن تحول جامعه، تأکید کرد. قرضاوی اشاره کرد که گاه، کار زن به عنوان حق وی مطرح است. این در صورتی است که شایستگی‌های مطلوب را دارا باشد.  
هرگاه نیز مصلحت و نیاز خانواده اقتضا کند، کاری واجب خواهد بود. گاه نیز موضوع، نیازی اجتماعی خواهد بود، زیرا، مثلاً زن برای آموزش و درمان زنان مناسب‌تر است.   
مجری: دوست داریم برای ما از حکم اسلام درباره‌ی اشتغال زن سخن بگویید و اینکه آیا می‌تواند فرزندان و خانه را رها کند و از خانه خارج شود؟  
دکترقرضاوی: بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله والصلاة والسلام علی سیدنا و امامنا واک؟وحبیبنا ومعلمنا رسول الله. وعلی آله ومحبه ومن رتبع هداه، امابعد.  
مشکل ما درباره این مسایل آن است که همواره دچار افراط و تفریط می‌شویم.  
برخی زنان را به عنوان موجودی که دارای شایستگی اندک و ناقص است می‌نگرند. از این‌رو می‌باید زنان همواره در اسارت و سلطه مردان باشند و مردان باید بر آنان حکومت کنند. در بسیاری از مواقع، مردان، زنان خود را در چهاردیواری حبس می‌کنند، در حالی که قرآن حبس زن را در خانه به عنوان کیفر ارتکاب فحشا ذکر کرده بود و این حکم در اسلام، بیش از استقرار قانونگذاری بود:  
«وان دسته از زنان شما که مرتکب فحشا می‌شوند، برای آنان چهار تن ازخود گواه بگیرید. اگر گواهی دادند آنان را در خانه نگه دارید تا آنکه مرگ جان آنان را بگیرد."  
اما این گروه می‌خواهند این کیفر را کیفری ابدی برای زن در نظر بگیرند. این از یک سو، از سوی دیگر کسان دیگر می‌خواهند که زن از خانه، مسؤلیت و فرزندان دست بکشد و بی‌هدف و قاعده زندگی کند. این دو برداشت کاملا مردود هستند.  
مجری: پس موضع میانه چیست؟  
دکترقرضاوی: موضع اسلام همواره موضع میانه واعتدال است.  
«آنکه در میزان طغیان کنید و زن را به داد برپا دارید و از میزان مکاهید.»  
نگاه اسلام به زن به عنوان موجودی کامل و دارای شایستگی برابر با مرد است. قرآن در این باره می‌فرماید:  
«شما از یکدیگرید. پس پروردگارشان برای آنان اجابت کرد که عمل هیچ عملی کننده‌ای اعم از زن و مرد را ضایع نمی‌کنم. شما از یکدیگرید.»  
یعنی مرد از زن و زن از مرد است، هرکدام دیگری را تکمیل می‌کند، نه زن از مرد بی نیاز است و نه مرد از زن.  
حدیث پیامبر(ص) می‌گوید:  
«جز این نیست که زنان همتایان مردانند»  
آیه می‌فرماید:  
«مردان و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند»  
از این‌رو زن حق دارد وحق وظیفه‌ی اوست که در کارهای مناسب مانند مرد اشتغال بورزد. تنها موضوع کار مطرح نیست، بلکه دقیق انجام دادن آن نیز مطرح است. قرآن می‌فرماید:  
«کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما کار درست‌تر دارد»  
«و او کسی است که آسمانها وزمین را در شش روز آفرید و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما کار درست‌تر دارد»  
این خطاب شامل مردان وزنان است. زنان باید در کارهایی که می‌تواند آنها را درست انجام دهد، اشتغال بورزد.  
مجری: پس اسلام برخی از تفاوت‌های آفرینشی زن و مرد را می‌پذیرد؟  
دکترقرضاوی: البته اسلام، احکام خود را بر دو امر بنیادین استوار می‌کند:   
نخست: حرمت گذاردن به فطرتی که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است: خداوند جفت زن و مرد را آفریده است. آیا این تفکیک میان دو موضوع، که دو جنس آفریده، بیهوده و عبث است یا حکمتی دارد؟ قطعا هیچ کار خدا بدون حکمت نیست، زیرا «حکیم» از نام‌های اوست و چیزی را بیهوده نمی‌آفریند، چنان که هیچ حکمی را بیهوده تشریع نمی‌کند.   
دوم: احترام گذاردن به مسؤلیت هرکدام از زن و مرد: زیرا طبق فطرت، مسؤلیت‌ها متنوع اند. زن مسؤلیتی دارد و مرد مسؤلیتی. مرد نه باردار می‌شود، نه وضع حمل می‌کند، نه به بچه شیر می‌دهد و زن این کارها را انجام می‌دهد، از این‌رو منطقی نیست که زن به انجام کارهایی مانند مرد موظف شود. بر اساس این دو نکته، اسلام به زن حق می‌دهد که کار کند، ولی کار وی در چارچوب ضوابط و شرایط خواهد بود.  
مجری: این شرایط کدامند؟  
دکترقرضاوی: نخست، کار می‌باید مشروع باشد. این نیست که زن در کاری ناجایز اشتغال بورزد. این عدم جواز در اشتغال به چنین کاری شامل مردان نیز هست. اما شغل‌هایی هست که برای مرد، رواست، ولی برای زن روا نیست. روا نیست که زن به عنوان رقاصه کار کند، یا منشی خصوصی مردی باشد که در دفترش را می‌بندد و با نور قرمز به آن روشنایی می‌دهد، چنین شغلی روا نیست، زیرا خلوت زن با مرد نامحرم بدون حضور شوهر یا محرم به اجماع جایز نیست.   
دوم: کار زن با مسؤولیت اساسی وی در قلمرو اصلی‌اش، خانه، منافات نداشته باشد. نخستین شغل زن آن است که وی همسر است و باید حقوق زناشویی را ادا کند. وی مادر است و باید حقوق فرزندان را ادا کند. اگر اشتغال زن با این مسؤولیت در تعارض کامل بود، به هیچ وجه پذیرفته نخواهد بود.   
سوم: زن به آداب اسلامی پایبند باشد، مثل آداب بیرون رفتن، پوشش، قدم زدن، سخن گفتن و حرکات ظاهری. جایز نیست که با هدف خودنمایی بیرون برود، جایز نیست به خود عطر و ادکلن بزند تا مردان نامحرم آن را استشمام کنند، جایز نیست که راه رفتنش به گونه‌ای باشد که در این آیه از آن منع شده است:  
«و پاهای خود را (بر زمین) نکوبند تا زیورآلاتی که نهان داشته‌اند آشکار شود.»  
یعنی مثلا کفش پاشنه بلند بپوشد و سپس آنرا بر زمین بکوبد، چنان که گویی به مردم می‌گوید:«مواظب باشید» سخن گفتن نیز جز به نیکی و با حشمت روا نیست:  
«و در سخن گفتن کرشمه نکنید، تا مبادا آن کسی که بیمار دل است در هوس افتد و سخن شایسته (و با وقار) بگویید.»  
زن به هنگام کار می‌باید این آداب را رعایت کند.  
  
حق یا وظیفه؟  
مجری: استاد ارجمند، آیا می‌توان نیاز یا ضرورت را از شرایط کار بیرون زن به شمار آورد؟  
دکترقرضاوی: این مسأله به کیفیت کار ربط دارد که آیا کارحق زن است یا بر او واجب است؟  
برخی از کارها حق زن اند، مثل زن تحصیل کرده، پزشک، مهندس و معلم. این زنان می‌توانند با تخصص خود به ما کمک کنند. نیازی هم نیست که نیاز یا ضرورت آن را اقتضا کند.  
کار در صورتی بر زن واجب خواهد بود که تا نیاز‌هایش را برطرف کند و به سوی دیگران دست دراز نکند، یا خانواده اش نیازمند باشد. بسیاری از زنان برای سرپرستی والدین سالخورده یا برادران و خواهران خردسال خود کار می‌کنند.  
قرآن کریم در داستان سیدنا موسی(ع) به هنگام ورود ایشان به مدین به این موضوع اشاره کرده است:  
" و گروهی از مردان را یافت که (به حیوانات خود) آب می‌دادند در فرو دست آنها دو زن یافت که (حیوانات خود را) دفع کردند. (مولی) گفت " کار شما چیست؟گفتند: (حیوانات خود را) آب نمی‌دهیم تا آن که چوپانان بروند و به ؟ پیری سالخورده است " این دو زن اشاره کردند که آنچه باعث شده آنان گوسفندان را به چرا ببرند، آن است که پدرشان سالخورده است و نمی‌تواند کار کند. به سخن دیگر خانواده نیازمند کار زن بود.  
گاه جامعه خود به کار زن احتیاج پیدا می‌کند. جامعه نیاز به آن دارد   
کسی که به تعلیم دختران می‌پردازد، باید زن باشد. هم چنین جامعه مسلمانان نیازمند آن است که زنان از زنان پرستاری و مردان از مردان. در پزشکی نیز فرض بر آن است که زن به نزد پزشک زن برود نه پزشک مرد، به ویژه در بیماریهای زنان و زایمان. در چنین مواردی کار زن بازتابی از نیاز جامعه به این نوع کار است.   
مجری: برخی می‌گویند که زنان درمحیط کار، مزاحم مردانند، زیرا مردان نیز به این کارها نیاز دارند. حکم چیست؟  
دکترقرضاوی: مادام که زن مانند مرد کار خودرا انجام می‌دهد، مزاحمت اشکال ندارد و کسی که پیروز میدان است، برتر خواهد یود. زمانی که مردم برای به دست آوردن چیزی با هم رقابت می‌کنند، چه کسی برنده می‌شود؟ کسی که شایسته‌تر است. اگر زن از مردان شایسته‌تر بود، مردان باید خودرا تقویت کنندتا بتوانند با زنان رقابت کنند. اگر مردان بی حال و بی حوصله بودند و نمی‌توانستند در یرخی کارها با زنان رقابت کنند، زنان باید به سراغ آن کارها بروند. در نهایت نیز محصول کار به سود خانواده خواهد بود، زیراخانواده دربنیاد شامل مرد و زن است و سپس اعضای دیگر از آن پدید می‌آیند. میدان کار باز است ولی کسی که برازنده‌تر است، پیشی می‌گیرد.  
  
رأی دادن و کاندید شدن   
مجری: به نظر شما در فعالیت سیاسی، اسلام میان زن و مرد فرق گذاشته است؟به این معنا که این نوع فعالیت ویژه‌ی مردان است و زنان حق ندارند وارد آن‌ها شوند، چه در زمینه‌ی رأی و چه در زمینه‌ی کاندید شدن؟  
دکترقرضاوی: من پس از بررسی نصوص شرعی کتاب و سنت وتأمل در مقاصد نهفته در نصوص ونیز قواعدی که فقه بر آنها استوار است.و فقها آن‌ها را از طریق استقرای احکام بسیار استنباط کرده اند، به این نتیجه رسیده ام که زن؟ یک مرد است، البته مواردی که به فطرت و مسؤلیت زن اختصاص دارند. از این مورد استثنا هستند.پیش از این گفتیم که اسلام برای فطرت و مسؤلیت حرمت قایل است. زیرا زن مسؤلیتهایی متفاوت با مسؤلیتهای مرد دارد. از این باده، اصل این آیه سوره توبه است:  
«مردان و زنان مؤمن از یکدیگرند، به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار نا شایست باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند.»  
خداوند این آیه را در مقابل این آیه قرار داده است:  
«مردان و زنان منافق از یکدیگرند، به کار ناشایست فرمان می‌دهند و از کار شایسته باز می‌دارند.»   
پس مردان و زنان منافق از رهند و ترویج منکرات و جلوگیری از کارهای شایسته، در راستای فاسد کردن جامعه و تغییر هویت آن فعالیت می‌کنند. بنابراین وظیفه زنان و مردان مؤمن آن است که متقابلا در برابر این فاسد مقاومت کنند، به این شکل که امر یه معروف و نهی از منکر کنند. مادام که زن مؤمن است، پس اصل بر آن است که که هر کاری که مرد انجام می‌دهد، او نیز انجام دهد، مگر زمانی که مانعی خاص دیده شود.   
مجری: پس به نظر شما زن می‌تواند در انتخابات رأی بدهد؟  
دکترقرضاوی: قطعأ، زیرا بیش از پنجاه سال است که انتخابات را به مثابه‌ی شهادت دانسته ام. زن و مرد می‌توانند گواهی دهند که این فرد برای نمایندگی از این منطقه شایسته‌تر است. هنگامی که زن برای این منظور رأی می‌دهد به واقع درباره‌ی شایستگی او گواهی می‌دهد و اورا تأیید می‌کند.  
مجری: نظر شما درباره‌ی مرد یا شوهری که زن یا دخترش را از رأی دادن باز می‌دارد چیست؟ آیا زن می‌تواند از فرمان شوهر یا پدرش سر پیچی کند و برود و رأی بدهد؟  
دکترقرضاوی: زمانی که حقوق خاص با عام تعارض پیدا می‌کنند، کدام حق مقدم است؟ چرا در مسأله جهاد، کسی از مردم آمد و از پیامبر (ص ) خواست تا با او بیعت کند یا در جهاد شرکت کند، اما پیامبر (ص ) فرمود:آیا پدرومادر داری؟ او گفت که هر دو را دارم. حضرت فرمود: بازگرد و در راه آن‌ها جهاد کن، یا بازگرد و چنان که آنها را گریانده‌ای، دوباره آن‌ها را بخندان، زیرا آن کار(جهاد) فرض کفایه بودو این یکی فرض عین است. فرمانبرداری از شوهر و پدر واجب است. انجام کاری که متعلق به امت است، نیز واجب است. اما به نظر من باید حق امت را بر حق افراد ترجیح داد، جز دز صورتی که این کار منجر به فتنه و آشوب شود. به سخن دیگر می‌باید در مسائل تعادل وجود داشته باشد. اگر چنان بود که قضیه بیخ پیدا می‌کرد و منجر به فرو پاشی زندگی و خانواده‌ی زن می‌شد، می‌باید در موضوع درنگ کرد، هم چنین اگر پدر آدمی عصبی یا خشمگین بود، اسلام این موضوع را مد نظر قرار می‌دهد و برای هر موضوعی جایگاهی قایل است.   
زن و پارلمان  
مجری: نظر شما درباره کاندید شدن زن برای عضویت در پارلمان و امثال آن چیست؟  
دکترقرضاوی: شاید شما اطلاع داشته باشید که من در این باره فتوایی قدیمی داده ام که در کتاب " فتاوی معاصره / دیدگاه‌های فقهی معاصر "منتشر شده است. دراین فتوا گفته ام که زن حق دارد خود را برای پارلمان کاندید کند و این فتوا را از این آیه استنباط کرده ام: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر.» آیاهیچ مانعی وجود دارد که زن را از این کار باز دارد؟ در برخی امور وجود زن ضرورت دارد. زن نصف جامعه است. گاه نیز بیش از نصف است اگر به تأثیرزن بر شوهر و فرزندان بنگریم این نصف را چگونه اهمال کنیم. اگر کسی نباشد که به نمایندگی از او پارلمان حضور یابد که قوانین متعلق به زنان، خانواده، کودکان و زنان سالخورده راوضع کند کار دشوار خواهد بود. چه بسا زنان در این باره نظر ویژه‌ای داشته باشند که از نگاه مردان نهان بماند.   
مجری: ولی مگر نه این است که زن کاندید شده، از این امر فارق شده است.منطقی نیست زنی که باردار است یا به فرزند خود شیر می‌دهد، کاندید شود. دکترقرضاوی: هیچ آدم عاقلی چنین نمی‌گوید. جامعه، شوهرو خویشاوندان زن نیز چنین امری را نمی‌پسندند. ولی زن در سن خاصی از بارداری و شیردهی فرزند فارغ می‌شود و فرزندانش بزرگ می‌شوندو خودش با تجربه می‌شود و شایستگی آن را می‌یابد که در اعمال عمده شرکت ورزد. طبق نظر امام ابوحنیفه و ظاهر چنین زن برای پست قضاوت در نظر گرفته می‌شود وازنظر مایة چنین زن برای مجلس کاندید می‌شود، زیرا اهلیت آن را دارد.  
زن قاضی   
مجری: پس شما اجازه می‌دهید که زن عهده دار قضاوت شود؟  
دکترقرضاوی: آری، ولی طبق شرایط خاص   
مجری: ولی آیا جنبه‌ی عاطفی بر جنبه‌ی عقلی زن غالب نیست؟چه بسااین امر بر داوری‌های او تأثیر بگذارد  
دکترقرضاوی: معنای اینکه جنبه‌ی عاطفی زن غالب است چیست؟یعنی نمی‌اندیشد، نه زن مثل مرد است.در حدیث آمده است : "زنان همتای مردانند." دربرخی موارد نظر زن از نظر مرد دقیق‌تر است. شاید داستان ؟ در صلح حدیبیه که پیشنهاد دقیق به پیامبر(ص) ارائه کرد، بهترین دلیل برای این منظور باشد. چنان نیست که هر زن، عقل اندک داشته باشد، یا عاطفه‌ی وی غالب باشد. ما می‌گوییم که به سبب ساختار جسمی و آفرینشی زن، جنبه‌ی عاطفی و احساسی بر او غالب است، زیرا برای آن که آماده‌ی مادر شدن باشد. مهرورزی و شفقت براو واجب است. اما این بدان معنا نیست که زن فاقد عقل و درک و تشخیص است.  
مجری: شما در مسأله‌ی قضاوت زن با چه کسانی هم نظر هستید: رأی جمهور، رأی ابوحنیفه، یا رأی طبری و ابن مزم که می‌گویند در تمام امور می‌تواند عهده دار قضاوت شود؟  
دکترقرضاوی: نظر طبری و ابن مزم را می‌پذیرم. هر چند قایل به حرکت تدریجی و گام به گام نیز هستم. یعنی هنگامی که زن برای نخستین بار به قضاوت می‌نشیند، لازم نیست که پست وی مربوط به پرونده‌های جنایی باشد، بلکه می‌تواند در زمینه‌ی احوال شخصیه و خانواده کارکند. طبق معمول در یک محکمه‌ی ابتدایی و سپس در محکمه‌ای بالاتر و مهمتر قضاوت کند. هم چنین می‌تواند در محکمه‌ای کار کند که یک قاضی دارد یا در محکمه‌ای که چند قاضی دارد، عضو باشد. هم چنین نباید هر زن را به عنوان قاضی پذیرفت، بلکه حتمأ باید اهلیت داشته باشد و چون زن است من وی را بر مرد ترجیح نمی‌دهم.اگرمردی شایسته‌تر وقوی‌تر وجود داشت، چرا فرد ضعیف را به قضاوت بنشانیم و از فرد قوی چشم بپوشیم. هم چنین باید سن وسال وی منطقی باشد و از مرحله‌ی بارداری و شیردهی گذشته باشد. هم چنین جامعه باید پذیرای این مسأله باشد. اگر جامعه به زن اجازه نمی‌دهد که رانندگی کند، آیا می‌تواند قاضی باشد؟ جامعه باید متحول شود تا این موضوع را بپذیرد.  
شهادت زن   
مجری: برخی می‌گویند که نصف بودن شهادت زن در برابر مرد، اصلی است که در قرآن و سنت آمده است.پس چگونه می‌تواند عهده دار پست قضاوت شود؟  
دکترقرضاوی: هنگامی که قرآن شهادت دو زن را درمعاملات مالی با شهادت یک مرد برابر قرار داده، نمی‌خواسته از جایگاه واهمیت زن بکاهد، بلکه می‌خواسته در حقوق مردم اطمینان بیشتری ایجاد کند. این موضوع در آیه معروف به مداینه آمده است. این آیه بلندترین آیه‌ی قرآن است. این آیه درباره‌ی یک موضوع، یعنی تحکیم دین، آمده است تا مردم حقوق یکدیگر را انکار نکنند و؟ مردم بر باد نرود :   
«هر گاه برای مدت معینی به یکدیگر وام دادید آن را بنویسید و باید کاتبی به داد آن را میانتان بنویسید و کاتب از نوشتن تن نزند.»  
شهادت نیز در زمره‌ی محکم کردن موضوع است. چرا شهادت دو زن با شهادت یک مرد برابر است؟زیرا زن اختیار خود را در دست ندارد. گاه دروضعیت زایمان به سر می‌برد.گاه نیز باردار است. گاه نیز گرفتار عادت ماهیانه و دردهای آن است چه با شوهرش آدمی خشن وتندخو باشد و به او اجازه ندهد که برای ادای شهادت برود. این به معنای؟ حقوق مردم است.   
برای آنکه حقوق مردم را محکم کنیم، خداوند فرمود که مردان را به گواه بگیرید، زیرا مرد در این کار از زن شایسته‌تر است. اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن. علت این امر را نیز چنین بیان کرده که زنان اغلب امور مربوط به مال ومعاملات را به خاطر نمی‌آورند. بنابراین برای آن که این؟ بر باد نروند، به جای یک زن، دو زن لازم است.«اگر یکی فراموش کرد، آن دیگری به خاطر بیاورد» اینها برای تثبیت حقوق مردم و برباد نرفتن آنهاست.   
مجری: آیا این نصف بودن در شهادت، مطلق است؟یعنی زن نمی‌تواند به تنهایی شهادت دهد؟  
دکترقرضاوی: خیر، در برخی امور مثل شیر دادن شهادت یک زن کافی است. هم چنین در مسایل حیض و زایمان و در اماکن و ؟ زمان، شهادت یک زن کافی است. مثلا اگر در عروسی، زنی سر زنی دیگر را شکست، از کجا مرد بیاوریم تا شهادت دهد. یا اگر در حمام میان دو زن مشکل پدید آمد و یک زن به دیگری تعدی کرد، از کجا مرد بیاوریم؟ این امور مشخص اند.  
در روایت احادیث نیز گفته اند که روایت زن مثل روایت مرد است. مهم عدالت و ضبط است. شگفت اینجاست که گفته اند «بر خلاف هزاران مرد کذاب، روایت هیچ زن کذابی یافت نشده است»  
افتا و ریاست دولت  
مجری: این موضوع موجب مباهات بانوان است   
دکترقرضاوی: درست است. فقها اجماع دارند که زن می‌تواند فتوا دهد. به این معنا که مرد بودن از شرایط فتوا نیست. هر گاه زن شرایط و شایستگی‌های علمی و عملی و اخلاقی لازم را برای فتوا فراهم آورد، مفتیه می‌شود. سیده عایشه(رض) به مردان و زنان؟ به فتوا می‌داد. وی ایرادهایی برعلمای صحابه وارد کرده است. زرکشی، سیوطی و دیگران درباره‌ی ایرادهای ان المؤمنین عایشه؟ به کتاب نوشته اند.  
مجری: آیا زن می‌تواند در تمام مسایل فتوا دهد، یا در مسایل خاص؟  
دکترقرضاوی: زن طبق تخصص خود فتوا دهد. اگر در فقه تخصص داشت، می‌تواند در تمام مسایل فتوا دهد. اگر در احوال شخصیه و فقه خانواده تخصص داشت،ولی در معاملات یا سیاست شرعی تبحر نداشت، در اموری که تبحر دارد فتوا دهد.مردان نیز چنین اند. مرد در مسایلی می‌تواند فتوا دهد که در آنها تخصص دارد. اگر فتوا مربوط به اموری بود که وی تخصص نداشت، می‌باید درنگ کند و خودرا از فتوا دادن دور نگه دارد تا مبادا اگر گرفتار چیزی شود که باعث ناخرسندی خداوند می‌شود.  
مجری: اکنون به قول معروف به رأس هرم رسیدیم، یعنی اشغال پست ریاست دولت از جانب زنان. برخی قایل به جوازند و یرخی دیگر قایل به عدم جوازند واین موضوع را با مسأله‌ی امامت کبری (خلافت ) پیوند می‌زند.   
دکترقرضاوی: در این باره سخن برمحور حدیثی می‌چرخد که؟ از ابوبکر؟ نقل کرده که در آن این فرموده پیامبر(ص ) آمده است که: " قومی که کار خود را به زن سپرده اند، رستگار نخواهند شد." پیامبر (ص) این سخن را در زمانی فرمود که ایرانیان زنی را پس از مرگ پدرش به ریاست خود گماردند. هنگامی که پیامبر(ص)از این موضوع با خبر شد، این سخن را فرمود.  
مجری: یعنی چنان که می‌گویند این حدیث مربوط به حادثه‌ای خاص است؟  
دکترقرضاوی: درست است، اما این حادثه‌ی خاص با عبارتی عام بیان شده است لن یفلح قوما ولی امرهم امرأة» این عبارت، ؟ در سیاق نفی است و نکره در سیاق نفی، بیانگر عمومیت است. بحث دیگری نیز وجود دارد و آن این است که آیا اسباب ورود در فهم الفاظ نقش دارند یا نه؟ در این باره اختلاف نظر وجود دارد.نظر ارجح آن است که مهم عمومیت عبادت است، نه مورد خاص.  
برخی از محققان، مثل امام شاطبی در کتاب "الموافقات " بر این باورند که می‌باید به اسباب نزول مراجعه کرد، و گرنه دچار خطا خواهیم شد. وی نظر خود را با این مثال توضیح داده که به نظر ابن عمر ف خوارج بدترین مردم بودند، زیرا آیاتی را که درباره‌ی مشرکان نازل شده بودند،بر مسلمانان تطبیق می‌دادند. به نظر؟ این حدیث باید به مورد خاص خود ارجاع شود، زیرا قرآن برای ما از زن سخن گفته که به صورت عادلانه و عاقلانه بر مردان حکومت می‌کردو انان را به خوبی‌های دنیا وآخرت می‌رساند. این زن همان ملکه‌ی سبا، بلقیس، است. هنگامی که فرمان سلیمان به او آمد که:   
«بر من برتری جویی نکنیم و فرمانبردار نزد می‌آیید.»  
وی می‌گفت :  
« ای سران، در این کارم به من نظر دهید. در هیچ امری به طور قطع تصمیم نگرفته ام مگر آنکه شما حضور داشته‌اید.»  
وی زن شورا دوست بود و در تمام مسایل مشورت می‌کرد. سران به او می‌گفتند : " ما نیرومند ودارای قدرت بسیار هستیم، تصمیم با توست.بنگر که چه فرمان می‌دهد." موضوع را به او سپردند، وی نیز موضوع را با نهایت دقت و اندیشه بررسی کرد و سر انجام به اینجا رسید که وترد جنگ نشد وتسلیم سلیمان شد.مجری: اما برخی کسان ایراد می‌گیرند و می‌گویند که این موضوع، مربوط به شریعت پیش از ماست و در صحیح بودن شریعت پیشینیان اتفاق نظر وجود ندارد؟  
  
دکترقرضاوی: اگر این گونه است پس چرا قرآن آن را ذکر کرده است؟ آیا قرآن این مسایل را بی هدف ذکر می‌کند؟یا زنها را ذکر می‌کند تا ما بهره ببریم " بی گمان در داستانهای آنان برای صاحبان خرد، اندرز وجود داشت." این الگو برای؟ مهم است. زن که قوم خود را از ورود به جنگل زیانبار و بی هدف نجات داد د تسلیم سلیمان شد و به خدا ایمان آورد. این نشان می‌دهد که همه زنان برای حکومت غیر شایسته باشند. اما میان فقها اجماع وجود دارد که زن نمی‌تواند به خلافت عامه یا امامت عظمی برسد. این خلاف عامه به معنای حکومت خلیفه بر تمام مسلمانان است.اما آیا ریاست منطقه در کشور ای محدود کنون در خلافت داخلی است یا بیشتر به ولایت اقلیم‌ها در گذشته شباهت دارد.  
مجری: پس به نظر شما هیچ مانعی در برابر کاندید شدن زن برای ریاست یا به عهده گرفتن پست ریاست جمهور وجود ندارد؟  
  
دکترقرضاوی: بله، درست است